

Effects of Acceptance and Commitment Therapy on Emotion Regulation and Quality of Life of Mothers of Children with Intellectual Disability

Fereydoon Goodarzi¹, *Ziba Soltani², Maryam Sadat Hoseini Seddigh³,
Meysam Hamdami⁴, Reza Ghasemi Jobaneh⁵

Author Address

1. MA of Family Counseling, Faculty of Psychology and Education Science, Kharazmi University, Tehran, Iran;

2. Faculty Member of Counseling, Payame Noor University, Tehran, Iran;

3. MA of Family Counseling, Faculty of Psychology and Education Science, Kharazmi University, Tehran, Iran;

4. MA of General Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran;

5. MA of Family Counseling, Faculty of Psychology and Education Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

*Corresponding Author Address: Payame Noor University, Tehran, Iran.

*Tel: 09135594157; *E-mail: soltani1011@yahoo.com

Received: 2016 May 16; Accepted: 2016 May 25.

Abstract

Objectives: The aim of current research was to investigate the effect of acceptance and commitment based therapy on emotion regulation and quality of life of mothers of children with intellectual disability.

Methods: This is a pretest- posttest control group quasi-experimental research. The population of the study consisted of the mothers of students with intellectual disability in Karaj-Iran in the school year 2014-2015. Convenience sampling was used to recruit 30 participants. The participants were assigned to experimental and control groups in equal numbers. The experimental group participated in 8 sessions of acceptance and commitment based therapy. The control group received no intervention. The research instruments were The Emotion Regulation Scale (ER) and Quality of Life (QOL) questionnaires. Analysis of covariance (ANCOVA) was used to analyze the data.

Results: The results showed a statistically significant difference between post-test scores of the experimental and control group following receiving training in acceptance and commitment based therapy in favor of the experimental group ($p > 0.01$) in terms of emotion regulation and quality of life of mothers of children with intellectual disability ($p < 0.01$).

Conclusion: It can be concluded that acceptance and commitment based therapy interventions leads to increasing emotion regulation and quality of life of mothers of children with intellectual disability.

Keywords: acceptance and commitment, emotion regulation, quality of life, intellectual disability.

اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در تنظیم هیجان و کیفیت زندگی مادران با فرزند کم‌توان ذهنی

فریدون گودرزی^۱، *زیبا سلطانی^۲، مریم‌السادات حسینی صدیق^۲، میثم همدی^۴، رضا قاسمی جوبنه^۵

توضیحات نویسندگان

۱. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛

۲. عضو هیئت علمی گروه مشاوره، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

۳. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛

۴. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران؛

۵. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

*آدرس نویسنده مسئول: دانشگاه پیام نور تهران، گروه مشاوره؛
تلفن: ۰۹۱۳۵۵۹۴۱۵۷؛ ایمانامه: soltani1011@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش: ۵ خرداد ۱۳۹۵

چکیده

زمینه و هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در تنظیم هیجان و کیفیت زندگی مادران با فرزند کم‌توان ذهنی بود. **روش بررسی:** روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی بوده و از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش را مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی شهر کرج در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ تشکیل می‌دهند. در پژوهش حاضر ۳۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه بررسی شدند (۱۵ نفر برای هر گروه). گروه آزمایش در ۸ جلسه درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد شرکت کردند، درحالی‌که گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. از مقیاس تنظیم هیجان و پرسشنامه کیفیت زندگی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از تحلیل کواریانس تحلیل شدند. یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد و درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد به‌طور معناداری موجب افزایش تنظیم هیجان و کیفیت زندگی در مادران با فرزند کم‌توان ذهنی شده است ($p < 0/001$). **نتیجه‌گیری:** لذا انجام مداخلات براساس این رویکرد می‌تواند در تنظیم هیجان هیجانی و کیفیت زندگی این زنان مفید باشد. **کلیدواژه‌ها:** پذیرش و تعهد، تنظیم هیجان، کیفیت زندگی، کم‌توان ذهنی.

خانواده یکی از نهادهای مهم جوامع محسوب می‌شود. گاهی برخی عوامل ممکن است که برای خانواده استرس‌آور باشد. یکی از این عوامل می‌تواند وجود فرزند کم‌توان ذهنی در خانواده‌ها بوده که اعضای خانواده به‌خصوص والدین را با برخی مشکلات مواجه می‌سازد. تولد این کودک می‌تواند عامل فشارزا و نگران‌کننده برای سازگاری خانواده باشد (۱). در این میان باتوجه به اینکه مادران با فرزند کم‌توان ذهنی در مقایسه با پدران زمان بیشتری برای مراقبت از فرزند خود صرف می‌کنند، استرس بیشتری را در قبال شرایط و مسئولیت‌های مداومی که این کودک به‌لحاظ روانی، هیجانی و اجتماعی برای آن‌ها دارد، متحمل می‌شوند (۲). در حقیقت وجود کودک ناتوان، سازش‌یافتگی و سلامت جسمی و روانی والدین به‌خصوص مادران را تهدید می‌کند و والدین با فرزند کم‌توان ذهنی به‌خصوص مادران بهزیستی هیجانی ادراک‌شده کمتری دارند (۳).

افزایش بهره‌مندی والدین از مهارت‌های تنظیم هیجانی در فراوانی تجربه هیجانات مثبت و سازگاری با موقعیت‌های استرس‌زایی همچون نگهداری از یک کودک با ناتوانی ذهنی مؤثر است و فعالیت‌های هدفمند در پاسخ‌های سازنده به موقعیت‌های چالش‌انگیز را افزایش می‌دهد (۴). تنظیم هیجان به توانایی فهم هیجانات و تعدیل تجربه و ابراز هیجانات اشاره دارد و با سازگاری روان‌شناختی و افزایش کیفیت ارتباطات بین فردی مرتبط است (۵).

همان‌طور که گفته شد نتایج پژوهش‌ها حاکی از پیامدهای بارز ناشی از داشتن فرزند کم‌توان ذهنی، همچون مشکلات روان‌شناختی، هیجانی و اجتماعی در مادران با کودکان کم‌توان ذهنی است که این امر منجر به کاهش کیفیت زندگی آنها می‌گردد (۲، ۳). کیفیت زندگی مفهوم وسیعی است که همه ابعاد سلامت و رضایت‌مندی از زندگی را در بر می‌گیرد (۶). در خانواده‌هایی که از کودکان کم‌توان ذهنی مراقبت می‌کنند، یکی از موضوعات قابل توجه، کیفیت زندگی والدین است. در بسیاری از موارد، مراقبت از کودک کم‌توان ذهنی، ممکن است کیفیت زندگی سایر اعضای خانواده، به‌ویژه عضو مراقب را کاهش دهد (۲). علاوه‌بر آن، کیفیت زندگی در خانواده کودکان کم‌توان ذهنی به عوامل محیطی و متغیرهایی مانند مشخصات کودک و والدین، وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده، حمایت اجتماعی و میزان بهره‌مندی اعضای خانواده از مهارت‌های لازم، بستگی دارد (۷).

پذیرش و سازگاری با یک کودک کم‌توان ذهنی از سوی والدین به‌ویژه مادران از اهمیت بسیاری برخوردار است. در دهه اخیر، تعدادی از روان‌درمانی‌ها به‌عنوان موج سوم توسعه یافته‌اند که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT)، از جمله این درمان‌ها هستند. هدف درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد این است که به مراجعان کمک کند علی‌رغم وجود برخی مشکلات و چالش‌ها همچون وجود فرزند کم‌توان ذهنی در خانواده، با رویکردی مبتنی بر پذیرش و تعهد و با انجام اقدامات سازنده، برای خود زندگی معنادار و غنی درست کند تا سطح کیفیت خانوادگی‌شان را بالا ببرند (۸).

مطالعه پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در بهبود مؤلفه‌های هیجانی و افزایش کیفیت زندگی در جوامع آماری

مختلف تأثیر مثبت دارد. به‌طور مثال نریمانی و همکاران نشان دادند که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد تأثیر مهمی در کاهش هیجانات منفی، رفتارهای خودمخرب و رفتارهای تکانش‌گرانه دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری دارد (۹). یافته‌های پژوهشی دیگر که توسط بلاکلدج و هیز به‌شیوه مروری انجام شد، نشان داد که مداخلات مبتنی بر پذیرش و تعهد شامل آموزه‌هایی همچون زندگی بامعنا، هدفمندی و وجود ارزش‌ها و تعهد است، به‌همین دلیل در بهبود تنظیم هیجان جوامع آماری بالینی و غیربالینی تأثیر مثبت دارد (۱۰). دوه‌رست و همکاران نیز در یک بررسی نشان دادند درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد اثرات متوسط و قوی در بهبود افسردگی، اضطراب، عزت‌نفس، سازگاری شغلی، سازگاری روان‌شناختی و افزایش کیفیت روابط بین فردی و در نهایت ارتقای کیفیت زندگی در افراد مبتلا به بیماری صرع دارد (۱۱). یافته‌های پژوهش ماسودا و همکاران که مشابه با پژوهش حاضر بود، نشان داد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در افزایش پذیرش، سازگاری و کیفیت زندگی مادرانی که دارای فرزند مبتلا به بیماری کم‌خونی هستند، اثر مثبت و ماندگار دارد (۱۲). فروس و همکاران نیز در پژوهشی به بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در بهبود کیفیت زندگی افراد مبتلا به بیماری سرطان پرداختند و نتایج پژوهش اثربخش و معنادار گزارش شده است (۱۳). باتوجه به مطالب گفته‌شده، وجود کودک کم‌توان ذهنی ممکن است که برای والدین به‌خصوص مادران، چالش‌زا باشد. از سوی دیگر وجود برخی مهارت‌ها همچون تنظیم هیجان و کیفیت زندگی بالا در مادران با فرزند کم‌توان ذهنی دارای اهمیت است. همچنین مداخلات مبتنی بر پذیرش و تعهد در سایر پژوهش‌های انجام‌شده در بهبود مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی، تأثیرگذار بوده است، درحالی‌که در ارتباط با اثربخشی مداخلات مبتنی بر پذیرش و تعهد در بهبود مؤلفه‌های هیجانی و کیفیت زندگی مادران با فرزند کم‌توان ذهنی، تحقیقات کمی انجام شده است؛ بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در تنظیم هیجان و کیفیت زندگی مادران با فرزند کم‌توان ذهنی است.

۲ روش بررسی

در این پژوهش از طرح تحقیق نیمه‌آزمایشی، نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش، تمامی مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی مدرسه استثنایی پارس-اربابی‌فر واقع در شهر کرج در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ بودند. در پژوهش انجام‌شده از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. بدین‌صورت که از بین ۶۰ والد از والدین دانش‌آموزان مدرسه استثنایی پارس-اربابی‌فر واقع در ناحیه ۴ آموزش و پرورش شهر کرج که به پرسشنامه‌های تحقیق پاسخ دادند؛ باتوجه به نتایج پرسشنامه‌ها، تعداد ۳۰ نفر که شرایط ورود به پژوهش (داوطلب شرکت در پژوهش بودن، عدم ابتلا به بیماری‌های مزمن جسمانی و اختلالات حاد روان‌شناختی، داشتن حداقل سطح سواد ابتدایی) را دارا بودند و نمرات ضعیف‌تری در پرسشنامه کیفیت زندگی و تنظیم هیجان کسب کردند، انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش جایگزین گردیدند.

فرم کوتاه پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت^۱: این پرسشنامه دارای ۲۶ سؤال است که به ارزیابی چهار بُعد کیفیت زندگی افراد می‌پردازد که عبارتند از سلامت جسمی، سلامت روان‌شناختی، روابط اجتماعی و محیط اجتماعی. با جمع این مؤلفه‌ها نمره کل به دست می‌آید و نمره بیشتر نشانگر کیفیت زندگی ادراک‌شده بیشتر است. آزمودنی درجه موافقت خود را در طیف لیکرت (کمترین نمره به هر سؤال ۱ و بیشترین نمره ۵ تعلق می‌گیرد) مشخص کند. در ایران در پژوهشی که توسط نصیری و همکاران انجام شد، این پرسشنامه به فارسی ترجمه شد و روایی و پایایی آن نیز برای فرهنگ ایرانی معتبر گزارش شده است. پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش بازآزمایی و ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۶۷ و ۰/۸۴ گزارش شده است (۱۴).

خرده‌مقیاس تنظیم هیجانی^۲: در پژوهش حاضر برای بررسی تنظیم هیجانی از خرده‌مقیاس تنظیم هیجانی مقیاس خودسنجی هوش هیجانی شوت که توسط شوت و همکاران در سال ۱۹۹۸ ساخته شد، استفاده شده است. آزمودنی درجه توافق یا مخالفت خود را با هر جمله در مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت که از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) است، انتخاب می‌کند. این مقیاس دارای ده سؤال است و نمره بیشتر نشانگر تنظیم هیجانی بیشتر است. روایی و پایایی آن در طی بررسی در داخل کشور ۰/۹۳ گزارش شد (۱۵).

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۱۸ و به شیوه تحلیل کواریانس یک‌متغیره (ANCOVA) در سطح معناداری ۰/۰۱ تجزیه و تحلیل شدند.

۳ یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۳۰ مادر با فرزند کم‌توان ذهنی شرکت کردند. میانگین و انحراف معیار سنی گروه آزمایش ۴۱/۵۳ و ۱/۹۵ بود. همچنین میانگین و انحراف معیار سنی گروه کنترل ۴۱/۲۷ و ۲/۱۵ بود. جدول شماره ۱ نتایج تحلیل کواریانس را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نتایج تحلیل کواریانس

متغیر	آزمایش				کنترل				مقدار p	اندازه اثر
	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیش‌آزمون		پس‌آزمون			
	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		
تنظیم هیجان	۱/۷۹	۲۸/۱۳	۴/۷۴	۲۲/۹۳	۱/۱۱	۲۲/۴۰	۱/۷۶	۲۲/۴۰	<۰/۰۰۱	۰/۵۹
کیفیت زندگی	۵/۹۹	۶۴/۴۷	۷/۷۴	۵۳/۳۳	۵/۹۶	۵۳/۰۰	۴/۰۵	۵۳/۰۰	<۰/۰۰۱	۰/۵۰

تنظیم هیجان و کیفیت زندگی گروه کنترل برابر با ۲۲/۹۳ و ۵۳/۳۳ است و میانگین پس‌آزمون تنظیم هیجان و کیفیت زندگی گروه کنترل برابر با ۲۲/۴۰ و ۵۳/۰۰ است. در واقع میانگین نمرات تنظیم هیجان و کیفیت زندگی گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون افزایش یافته است،

اعضای گروه آزمایش، طی هشت جلسه، هفته‌ای یک‌بار، به مدت ۶۰ دقیقه درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد را دریافت کردند درحالی‌که برای گروه کنترل مداخله‌ای اعمال نشد. در نهایت پس‌آزمون از هر دو گروه آزمایش و کنترل به عمل آمد. برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد که جلسات درمانی به شیوه گروهی به جهت کمک به آن‌ها برای بهبود کیفیت زندگی و مهارت‌های تنظیم هیجان آن‌ها تدارک دیده شده است و هم به دلیل انجام یک کار پژوهشی است. بدین ترتیب موضوع اخذ رضایت آگاهانه مطرح شد و تمامی شرکت‌کنندگان با رضایت کامل وارد پژوهش شدند. همچنین بعد از اتمام جلسات درمانی و اجرای پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل، به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش، برای گروه کنترل نیز جلسات درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد برگزار گردید.

خلاصه محتوای درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد:

جلسه اول: آشنایی اعضا با یکدیگر و تعیین قوانین حاکم بر جلسات، تصریح رابطه درمانی، معرفی و سنجش هیجان، شروع درماندگی خلاق؛

جلسه دوم: شکستن برنامه کنترل مراجعان، آشنایی مراجعان با شیوه‌های غیرسازنده مقابله با مشکلات؛

جلسه سوم: معرفی کنترل به عنوان مسئله، بحث درباره دنیای درون و تفاوت آن با دنیای بیرون؛

جلسه چهارم: معرفی پذیرش و تمایل و بیان احساسات؛

جلسه پنجم: تداوم ایجاد یک جهت‌گیری به ذهن‌آگاهی و ارائه شیوه‌های عملی بیشتر برای پرورش گسلش؛

جلسه ششم: آشنایی با انواع خود؛

جلسه هفتم: حرکت به سمت زندگی ارزشمند با خود پذیرا و مشاهده‌گر؛

جلسه هشتم: جلسه ارائه ایده تعهد به عنوان ابزاری برای حرکت به سوی اهداف مشخص و تقویت انتخاب‌ها جهت رسیدن به آن اهداف.

ابزار پژوهش:

باتوجه به یافته‌های جدول ۱، مشاهده می‌شود که میانگین پیش‌آزمون تنظیم هیجان و کیفیت زندگی گروه آزمایش برابر با ۲۲/۲۳ و ۵۳/۶۰ است. درحالی‌که میانگین پس‌آزمون تنظیم هیجان و کیفیت زندگی گروه آزمایش برابر با ۲۸/۱۳ و ۶۴/۴۷ است. همچنین میانگین پیش‌آزمون

². Emotion Regulation Subscale

¹. Short form of Quality of Life Questionnaire World Health Organization

درحالی که در گروه کنترل چنین تفاوتی مشاهده نمی شود. به منظور بررسی اینکه آیا این تفاوت ها در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل از لحاظ آماری معنادار است، از تحلیل کواریانس استفاده شده است. جهت بررسی برقراری پیش فرض های آزمون تحلیل کواریانس از آزمون لون استفاده و مشاهده شد که واریانس تنظیم هیجان و کیفیت زندگی در دو گروه آزمایش و گروه کنترل با هم برابرند. سرانجام یافته های جدول شماره ۱ نشان می دهد که بین میانگین نمرات تنظیم هیجان و کیفیت زندگی در مرحله پس آزمون بعد از کنترل نمرات پیش آزمون در دو گروه، معنادار است. بدین معنا که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در افزایش تنظیم هیجان ($F=46/21, p<0/001$) و افزایش کیفیت زندگی ($F=27/06, p<0/001$) مؤثر بوده است.

۴ بحث

پژوهش حاضر با هدف اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در تنظیم هیجان و کیفیت زندگی مادران دارای فرزند کم توان ذهنی صورت گرفته است. یافته های حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در افزایش تنظیم هیجان مؤثر است که با یافته های سایر پژوهش های انجام شده همسویی دارد ($9, 10, 16$). به طور مثال نریمانی و همکاران نشان دادند که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد تأثیر مهمی در کاهش هیجانات منفی، رفتارهای خودمخرب و رفتارهای تکانشگرانه دارد (9). پژوهشی دیگر بلاکدج و هیز نشان دادند درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد با آموزه هایی همچون زندگی بامعنا، هدفمندی و وجود ارزش ها به افراد در بهبود تنظیم هیجان کمک می کند (10). همچنین هیل و همکاران در پژوهشی نشان دادند که درمان مبتنی بر پذیرش در بهبود تنظیم هیجانی افرادی که از مشکلات مربوط به خوردن هیجانی و وسواس گونه رنج می برند، تأثیرگذار بوده است (16).

همان طور که در قسمت مقدمه ذکر شد وجود فرزند کم توان ذهنی برای مادران می تواند استرس آور باشد و بهزیستی هیجانی آن ها را با تهدید مواجه سازد، در نتیجه این مادران مشکلات هیجانی مانند افسردگی و اضطراب را گزارش می کنند ($2, 3$). درحالی که برخورداری مادران با فرزند کم توان ذهنی از مهارت های تنظیم هیجان می تواند به آن ها کمک کند که با مدیریت، تعدیل و تنظیم هیجانات، بتوانند از شدت هیجانات ناخوشایند و دردآور کم کنند و هیجانات مثبت بیشتری را تجربه کنند. یکی از راهبردهای افزایش مهارت های تنظیم هیجان، درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد است که به دلیل سازوکار نهفته در آن مانند پذیرش، افزایش آگاهی، حضور در لحظه حال، مشاهده گری بدون داوری، عمل متعهدانه براساس ارزش ها و خودداری از اجتناب تجربی می تواند درمان جویان را مجهز به باورها، رفتارها و ارزش هایی کند که در هنگام بروز هیجانات ناخوشایند و تهدیدکننده بهزیستی هیجانی (مانند پیامدهای روان شناختی، هیجانی و اجتماعی وجود فرزند کم توان ذهنی در خانواده) بر هیجانات خودآگاهی و مدیریت بیشتری کند و به تنظیم سازنده هیجانات بپردازند. همچنین تنظیم هیجان به عنوان روشی در تعدیل هیجانات، باعث مقابله مؤثر با موقعیت های استرس زایی همچون مراقبت از فرزند دارای کم توان ذهنی می شود و افزایش فعالیت در پاسخ به موقعیت های پرتنش را به دنبال دارد. درواقع

افرادی که در دوره درمانی پذیرش و تعهد شرکت می کنند به دلیل ایجاد ارزش ها و وجود معنا در زندگی آن ها، کمتر تحت تأثیر منفی شرایط استرس آور قرار می گیرند و توانمندی بیشتری در تنظیم و مدیریت بر هیجانات خود پیدا می کنند (5).

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در افزایش کیفیت زندگی مادران با فرزند کم توان ذهنی نیز مؤثر است. سایر پژوهشگران نیز همسو با یافته های پژوهش حاضر نشان داده اند که می توان از آموزه ها و مداخلات مبتنی بر پذیرش و تعهد در بهبود کیفیت زندگی و داشتن زندگی غنی و بامعنا، استفاده نمود (17). $11-13$). به طور مثال نتایج یک بررسی نشان داد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد اثرات مثبت بر ارتقای کیفیت زندگی در افراد مبتلا به بیماری صرع دارد (11). نتایج پژوهشی دیگر نشان داد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در افزایش پذیرش، سازگاری و کیفیت زندگی مادرانی که فرزند بیمار دارند، اثر مثبت و معنادار دارد (12). از درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در بهبود کیفیت زندگی افراد مبتلا به بیماری های مزمن همچون سرطان نیز استفاده شده است که نتایج اثربخش و معنادار گزارش شده است (13).

در توجیه این یافته می توان بیان کرد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد باعث می شود که مادران با فرزند کم توان ذهنی، احساسات، هیجانات و افکار خود را علی رغم ناخوشایند بودن، بپذیرند و حساسیت بیش از حد و اندازه به مشکل را کاهش داده و در نتیجه سطح رضایت مندی، کیفیت زندگی و هیجانات مثبت در خود را افزایش دهند. در این درمان به درمان جویان آموزش داده می شود که به جای انکار و اجتناب از تجربه هایشان، بتوانند تجربیات خود را بپذیرند. همچنین یافته های پژوهش ها نشان داده اند درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در کاهش پریشانی روان شناختی مؤثر است (9). درواقع درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد از طریق بهبود سلامت روان شناختی مادران در افزایش کیفیت زندگی ادراک شده آن ها نیز مؤثر است (17). همچنین یکی از مؤلفه های مهم درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، آموزش ذهن آگاهی است که پیش بینی کننده رفتار خودتنظیمی و حالات هیجانی مثبت است که این امر رضایت فرد را از زندگی بالا برده و کیفیت زندگی را ارتقا می بخشد (13). درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد باعث کاهش اجتناب تجربی و افزایش انعطاف پذیری روان شناختی می شود که در کاهش درگیری ها و تنش های درون فردی درمان جویان و در نتیجه افزایش رضایت از زندگی و کیفیت زندگی مؤثر است و توانایی مقابله در برخورد با چالش های ناشی از عدم تحمل فرزند کم توان ذهنی را افزایش دهد (12).

به طور خلاصه می توان گفت درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد مداخله شناختی-رفتاری است که از فرایندهای پذیرش و ذهن آگاهی و فرایندهای تغییر رفتار و تعهد، به منظور ایجاد انعطاف پذیری روان شناختی و کاهش اجتناب تجربی استفاده می کند (9). در نتیجه انعطاف پذیری روانی، افراد رغبت پیدا می کنند که به منظور شناخت، تعهد و پیگیری اهداف و ارزش های خود اقدامات سازنده ای انجام دهند تا بتوانند کیفیت زندگی خود را بالا برده و هیجانات خود را در سطح متعادل تنظیم کنند (10). همچنین مراجع می آموزد تا دست از

مبارزه با مشکلات بردارد و به جای آن با درگیر شدن در فعالیت‌هایی که او را به اهداف و ارزش‌هایش نزدیک‌تر می‌کند، در راستای بهبود تنظیم هیجان و ارتقای کیفیت زندگی قدم‌های سازنده بردارد (۱۱). پژوهش حاضر بر روی مادران با فرزند کم‌توان ذهنی شهر کرج انجام شده است و باید در تعمیم نتایج حاضر به سایر جوامع آماری احتیاط کرد. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی مشابه در ارتباط با اثربخشی آموزه‌ها و مداخلات مبتنی بر پذیرش و تعهد در سایر جوامع آماری به‌خصوص جمعیت‌هایی که به‌نوعی درگیر مشکلات خانوادگی استرس‌آور هستند، انجام شود. همچنین توصیه می‌شود در مراکز آموزشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، دوره‌هایی مبتنی بر یادگیری مهارت‌های تنظیم هیجان و بهبود کیفیت زندگی براساس آموزه‌ها و مداخلات مبتنی بر پذیرش و تعهد برای والدین به‌خصوص مادران این دانش‌آموزان برگزار گردد.

۵ نتیجه‌گیری

درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در مادران با فرزند کم‌توان ذهنی باعث می‌شود که آنان با استفاده درست از هیجانات، آگاهی از هیجانات و پذیرش آن‌ها و ابراز مناسب هیجانات در موقعیت‌های زندگی، از شدت هیجانات ناخوشایند کم کنند و در مواجهه با شرایط مختلف، مقابله سازنده‌تری از خود بروز دهند. در نتیجه میزان سازگاری و بهزیستی روان‌شناختی فرد بهبود پیدا می‌کند و کیفیت زندگی نیز به‌طور مثبت و معنادار ارتقا می‌یابد.

۶ تشکر و قدردانی

از زنان محترم شرکت‌کننده در پژوهش حاضر تشکر و قدردانی می‌گردد.

References

1. Kandel I, Merrick J. The child with a disability: parental acceptance, management and coping. *ScientificWorldJournal*. 2007;7:1799–809. [[Link](#)]
2. Heller T, Hsieh K, Rowitz L. Maternal and paternal caregiving of persons with mental retardation across the lifespan. *Family Relations*. 1997;46(4):407–15. [[Link](#)]
3. Abbasi M, Marz BM, Javad M, Ghasemi Jobaneh R, Dargahi S. Comparison between hypochondriasis, social anxiety and cognitive avoidance in mothers of students with and without learning disability. *Journal of Exceptional Education*. 2015;6(134):5–14. [Persian] [[Link](#)]
4. Mayer JD. *The Wisdom in Feeling: Psychological Processes in Emotional Intelligence*. 2nd ed. New York: The Guilford Press; 2002. [[Link](#)]
5. Zaki J, Williams WC. Interpersonal emotion regulation. *Emotion*. 2013;13(5):803–10. [[Link](#)]
6. Kaplan RM, Ries AL. Quality of life: concept and definition. *COPD*. 2007;4(3):263–71. [[Link](#)]
7. Khayatzaadeh Mahani MA. A comparative study about quality of life in mothers of children with cerebral palsy, mental retardation and mothers of normal children. *Journal of Daneshvar Medicine*. 2009;16(83):49–58. [Persian] [[Link](#)]
8. Izadi R, Abedi MR. *Acceptance & Commitment Therapy*. Tehran: Jungle Publication; 2012. [Persian]. [[Link](#)]
9. Narimani M, Abbasi M, Abolghasemi A, Ahadi B. The effectiveness of training acceptance / commitment and training emotion regulation on high-risk behaviors of students with dyscalculia. *Int J High Risk Behav Addict*. 2013;2(2):51–8. [[Link](#)]
10. Blackledge JT, Hayes SC. Emotion regulation in acceptance and commitment therapy. *J Clin Psychol*. 2001;57(2):243–55. [[Link](#)]
11. Dewhurst E, Novakova B, Reuber M. A prospective service evaluation of acceptance and commitment therapy for patients with refractory epilepsy. *Epilepsy Behav*. 2015;46:234–41. [[Link](#)]
12. Masuda A, Cohen LL, Wicksell RK, Kemani MK, Johnson A. A case study: Acceptance and commitment therapy for pediatric sickle cell disease. *J Pediatr Psychol*. 2011;36(4):398–408. [[Link](#)]
13. Feros DL, Lane L, Ciarrochi J, Blackledge JT. Acceptance and Commitment Therapy (ACT) for improving the lives of cancer patients: a preliminary study. *Psychooncology*. 2013;22(2):459–64. [[Link](#)]
14. Nazari A, Khodadadi J, Sanai B, Albokordi S. Effectiveness of existential therapy with group method on quality of life of students. *Psychosocial Research*. 2012;4(14):1–10. [Persian].
15. Mohammadkhani S, Sadeghi N, Farzad V. The causal model relationships of negative emotions, Central beliefs, the beliefs associated with drugs, craving beliefs and emotion regulation with back to substance use. *Journal of Psychology*. 2011;6(23):155–81. [Persian]. [[Link](#)]
16. Hill ML, Masuda A, Moore M, Twohig MP. Acceptance and commitment therapy for individuals with problematic emotional eating: A case-series study. *Clinical Case Studies*. 2015;14(2):141–54. [[Link](#)]
17. Hertenstein E, Thiel N, Lüking M, Külz AK, Schramm E, Baglioni C, et al. Quality of life improvements after acceptance and commitment therapy in nonresponders to cognitive behavioral therapy for primary insomnia. *Psychother Psychosom*. 2014;83(6):371–3. [[Link](#)]